

اخذ به شفعه



سید مصطفی محقق داماد

کلیات

۱ - واژه شفعه

شفعه به ضم شین بر وزن فعله از ریشه شفعت کذا بکنذا اتخاذ گردیده است . وقتی که چیزی را با چیز دیگر جفت و پیوست نمایند ، میگویند : شفعت کذا بکذا ، یعنی آن شیئی را با فلان شیئی پیوست نمودم . البته مراد ، مطلق پیوستن نیست ، بلکه آن گاه که با این پیوند تقویت و اعانتی حاصل گردد ، از این واژه استفاده میشود . واژه های شفاعت و شفیع نیز از همین ریشه هستند ، زیرا شفیع با شفاعت خویش مشفوع را تقویت و اعانت مینماید^۱ در اصطلاح فقهی و حقوقی نیز اخذ به شفعه به حالتی اطلاق میشود که کسی سهم شریکش را اخذ و سهم خود پیوست هد و یرمال خویش بیفزاید لذا بر خلاف آن چه که بعضی پنداشته اند ریشه لغوی شفعه یک معنی بیشتر ندارد .

۱ - رجوع شود به تذکرة الفقهاء ، ج ۱ ، ص ۵۸۸ - شرح لمعه ، ج ۲ ، ص ۱۷ .
۲ - مهبوط شیخ : « الشفعة الزیادة وذلك ان المشتري يشفع نسیب الشریک یزید به بعد ان کان ناقصاً کانه کان وترافصار شفعاً » ، ج ۳ ، ص ۱۰۶ ، چاپ تهران .